بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمنِ ٱلرَّحِيم

ما در مسیر حرکت خودمان مانند همه مواردی که در زندگی داریم باید به همین عقل متعارف اتکا داشته باشیم، مسیر ما به سمت هر هدفی به همین شکل است. همان طور که اگر بخواهیم به دانشگاه برویم، بخواهیم تجارت کنیم، وارد سیاست شویم، خانه‌ای خریداری کنیم و ... همین عقل را به کار می‌گیریم. همان‌طور که در امور عادی انسان همیشه عواملی هست که انسان از آن اطلاع ندارد و در بسیاری از مواقع برنامه انسان را بر هم می‌زند؛ هیچ‌وقت انسان به خاطر چیزهایی که نمی‌داند زندگی عادی خود را تعطیل نمی‌کند؛ در مسائل روحی نیز به همین شکل است و هیچ فرقی نیست. اما وظیفه من این است که در مسیر حرکت خودم به سمت احیای خود، اصلاح زندگی، منظم کردن زندگی، استمرار در برنامه‌ها، توجهات بیشتر و خلوت روحی بروم، همانطور که در هنگام خریداری خانه یک سری واضحات هست مثلا معماری خوبی داشته باشد یا بنیان محکمی داشته باشد، حال فرض کنید خانه را خریداری می‌کنید و بعداً متوجه می‌شوید که عواملی در آن رعایت نشده است اما به خاطر این دلایل انسان حرکتش را متوقف نمی‌کند. از این رو در این رمضان در مطلب اولی که برای دوستان قرار داده شد، بیان شد که همه سوالات و ابهامات در جای خود، ولی یک حداقلی وجود دارد که آن حداقل برای اقدام انسان، روشن و واضح و کافیست؛ سوالات هم در جای خود. انسان آن حداقل را می‌گیرد بعد وارد عمل می‌شود و به جلو می‌رود. آیا با این شیوه سوالات و ابهامات انسان برطرف می‌شود؟ خیر، به عنوان مثال در موضوع «کار» با معنای رساله عملیه و کار ذاتی، هویت کاری، شخصیت اشتغالی ممکن است کشف آن مدتها طول بکشد و علاوه بر این به صورت ناگهانی همه چیز کشف نمی‌شود بلکه مرحله به مرحله کشف شده و انسان پیوسته درک بیشتری به آن پیدا می‌کند، اما آیا انسان باید برای رسیدن به «کار» همه امورش را متوقف کند؟ مگر انسان در سایر امور زندگی‌اش را متوقف می‌کند؟ انسان باید به موازات هم این مسائل را پیش ببرد. در این رمضان هم اصل مطلب این بود که انواع مشکلات و مصائب وجود دارد، در این رمضان جنگ هم هست، در زمان خارج از جنگ مگر ما مطمئن هستیم که اتفاقی برای ما نمیفتد؟ گاهی این مشکلات کمتر هستند گاهی بیشتر و هیچ راهی هم برای خلاص شدن انسان از این مشکلات وجود ندارد. **كُلُّ نَفسٍ ذائِقةُ الموت،** تمام این محدودیت‌هایی که در این جهان هست اعم از مرگ، جهل، بیماری و مشکلات، با ذات این جهان عجین شده است و انسان باید با وجود همه آنها «حرکت» کند. بنابراین انسان حداقلی از موضوعاتش را می‌گیرد و برای سال آینده‌اش به یک برنامه‌ای می‌رسد که در این برنامه بتواند به تناسب همین مقدار که می‌فهمد یک نظم و استمراری در زندگی‌اش داشته باشد، هر چه انسان جهل و ابهام داشته باشد سرجای خود، اما در عین داشتن همه آنها یک روالی برای زندگی می‌تواند تنظیم کند و بداند که این حداقلی است که بدون آن امکان ندارد انسان به نتیجه برسد. نمی‌توان متوقف شد تا تمام ابهامات برطرف شود و راه رسیدن به قله و به بهترین نتیجه برای انسان روشن شود، سپس انسان حرکت کند. انسان باید قدم بردارد و جلوی پای خود را نگاه کند و به جلو حرکت کند تا به نقاط دیگر برسد.

شب قدر چه بخواهیم – رمضان ۱۴۴۷

شب قدر زمانی است که گویی سرنوشت جهان و کائنات رقم می‌خورد؛ از این طرف انسان باید در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرد و از آن طرف نیز به تناسب انتخاب ما برای ما تصمیم می‌گیرند و ما را کمک می‌کنند. ما در حد خود باید برای یکسال آینده‌مان مسیری را انتخاب کنیم و پایبندی خود را به آن مسیر اعلام کنیم و درخواست کنیم که ما را کمک کرده تا مسیر برای ما هموار شود و به جلو حرکت کنیم، از آن طرف، خود نیز می‌بایست محکم و استوار بایستیم؛ آنگاه این برنامه شب قدر و رمضان می‌شود. راهی هموار که در این رمضان و در این شبها برای انسان وجود دارد همین است، این راه همیشگی است اما در این رمضان فضا آماده‌تر است، مانند کسی که برای یک دوره خاص درسی یا ورزشی یا آموزشی برگزیده شده است و وقتی در اردوی آموزشی می‌رود امکانات بهتری در آن اردو هست، در این اردو انسان بهتر می‌تواند خود را بسنجد، نقایص خود را دیده و ببیند چه ابزارها و کارهایی لازم دارد.

اینکه کسی سوال میپرسد که من امنیت ندارم، اتفاقا این نداشتن امنیت مسئله بسیار خوبی است، وقتی ما امنیت داشته باشیم احساس راحتی می‌کنیم در صورتی که این صدای بمب یا مشکلات دیگر خواب را بر چشم انسان حرام می‌کند، اتفاقا این شرایط سخت باید باشد تا انسان از لاک خود بیرون بیاید، رمضان چنین شرایطی است و این رمضان ما هم با جنگ رمضان همراه شده است و با این مشکلاتی که دارد و ما باید بیشتر از این شرایط استفاده کنیم، این شرایط خیلی دوام نخواهد داشت و از بین می‌رود و اگر از آن استفاده نکنیم بعداً برای ما حسرت خواهد شد. چطور از این شرایط استفاده کنیم؟ همین که بدانیم باید سریعاً کاری برای خودمان انجام دهیم، آن کار چیست؟ همین انجام حداقل چیزهایی که می‌فهمیم، ما یک خط موازی سوال داریم، این سوالات سر جای خود هستند ولی به تدریج جلو می‌رویم، یک خط هم به موازات این خط هست که امور و وظایف روشن است که باید آنها را تنظیم کنیم تا بدانیم برای سال آینده چه باید بکنیم، باید یک برنامه منظم و مستمر داشته باشیم که می‌دانیم از عهده انجام آن برمی‌آییم، در عین حال این برنامه به ما برای تسلط بر امور خودمان کمک می‌کند.